

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سرالصلاة امام خمینی قدس سره ۱۰

در نگاه امام (ره) عروج معنوی نماز که سرمایه سعادت دنیا و عالم آخرت و وسیله زندگانی ابدی است. (آداب الصلوة، ص ۴۵). تطبیق نماز با مراتب وجود انسان و معراج انسان کامل، مهم‌ترین مساله برای بیان اسرار نماز و تفسیر آن است. بر این اساس امام خمینی (رحمة الله علیه) به سفر معنوی و معراج پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اشاره دارد و به شیوه خود، به مراحل اسفار اربعه و طریق رسیدن به مقام وصل حق جلّ شانه، می‌پردازد. نماز، والاترین آداب اظهار ادب به محضر الهی است که حاصل معراج رسول اکرم و دستاورد بزرگترین عروج معنوی انسان به ساحت قدس الهی است. به اعتقاد امام (ره) وصال محبوب مطلق غایت آمال اولیاء و منتهای آرزوی اصحاب معرفت و ارباب قلوب بلکه قره العین سید رسل هاست. (ر.ک: آداب الصلوة، ص ۵) امام راحل نماز مؤمن را نیز معراج و سفری حقیقی می‌داند که با حالت‌ها و مراتب و مقامات خاص بندگان محقق شده، سالکان طریق حق را، به تناسب حال و مقام خود، از حقیقت نماز و اسرار این سفر آگاه می‌سازد.

چون به هر فکری که دل خواهی سپرد از تو چیزی در نهان خواهند برد

هر چه اندیشی و تحصیلی کنی می درآید درد از آن سو کایمنی

پس بدان مشغول شو کان بهتر است تا ز تو چیزی برد کان کم تر است

مقصد اصلی دعوت پیامبران (علیهم السلام) نیز که توحید به معنای حقیقی آن است تنها در معراج نماز تحقق می‌یابد. در نگاه امام پروردگار عالمیان برای رهایی جان قدسی انسان از قفس طبیعت، نسخه جامعی که نماز است به پیامبر اعظم و مؤمنین هدیه فرموده و به تعبیر امام قدس سره: «... همین طور از برای نماز، که در بین عبادات و مناسک الهیه سمت جامعیت و عمودیت (الصلاة عمود الدین) دارد، این مقامات طابق النعل بالنعل (دقیقا منطبق بر مراتب وجود انسان و عروج معنوی او در نماز) هست زیرا که جمیع مقامات معنوی انسانیه به حسب سفر معنوی اوست، از منتهی النزول عالم ملکی، که بیت مظلمة نفس است، تا غایة القصوى معراج حقیقی روحانی، که وصول به فناء الله است و براق سیر و رفرف عروج اهل معرفت و اصحاب قلوب نماز است...»

زنده دلا مرده ندانی که کیست هر که ندارد به خدا اشتغال

شرح: جایگاه نماز: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ وَ هِيَ أَوَّلُ مَا يُنْتَظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ فَإِنْ صَحَّتْ نَظَرُ فِي عَمَلِهِ وَإِنْ لَمْ تَصَحَّ لَمْ يُنْتَظَرْ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ (تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۲۳۷) « پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: همانا ستون دین [اسلام]، نماز است و آن اولین چیزی است که [در قیامت] از میان اعمال آدمی در آن نظر می شود [و مورد سنجش قرار می گیرد]، پس اگر صحیح باشد، در بقیه اعمالش هم نظر می شود و اگر صحیح نباشد، در بقیه اعمالش نظر نمی شود!» علی (علیه السلام): « وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ » (نامه ۴۷ نهج البلاغه) « خدا را خدا را در باره نماز، چرا که ستون دین شماست. » امام باقر علیه السلام فرمود: « الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ؛ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ يَثْبُتُ الْأَوْتَادُ وَالْأُتُنَابُ، وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدَّ وَ لَا طُنْبُ » (المحاسن : ۱/۱۱۶/۱۱۷). « نماز ستون دین است ، مَثَلُ آن مَثَلِ تیرک خیمه است، اگر تیرک محکم باشد میخ ها و طناب ها محکم می مانند و اگر تیرک کج شود و بشکند ، نه میخی استوار می ماند و نه طنابی». در نگاه امام (ره)، نماز در میان عبادات به منزله « اسم اعظم در میان دیگر اسماء الهی است. » (آداب الصلوة، ص ۹). زیرا نماز واسطه و رابطه بین خداوند و دیگر عبادات است؛ همانند مقام انسان کامل در میان موجودات که هم کامل ترین و هم واسطه فیض و استکمال موجودات است. (ر.ک: آداب الصلوة، ص ۴۵) آن حضرت در نامه ای که به عروس خود (خانم طباطبایی) می نویسند به سوره مبارکه حمد مثال می آورد و می فرمایند: «... فی المثل، سوره مبارکه حمد مشتمل جمیع اسرار معارف الهیه است که تحمل آن از عهده این نویسنده دست و پا بسته خارج است، همین قدر بدان ای دختر عزیزم که در «بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین» معارف و اسرار غیر قابل تحمل برای ما است و اگر عارف صاحب سری در «الحمد لله» با قدم صاحب ولایت، غور کند، می یابد که در عالم هستی غیر از الله چیزی و کسی نیست، که اگر بود، حمد مختص به ذات الوهی نبود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل) پس باید قلم ها بشکنند اگر گمان شود ورای او هستند.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۷-۲۳۸) البته نماز به ذات خود منشأ اثر نیست بلکه مستنیر و دریافت کننده فیض از اسماء الهی است؛ در توضیح این مطلب امام راحل می فرماید: «در نزد صاحبان بصیرت به ثبوت رسیده است که هیچ فاعلی از فواعل در هر عالمی از عوالم که هست به خودی خود و بر حسب ذاتش نمی تواند منشأ هیچ اثری بوده باشد و در هیچ نشئتی نتواند ظهور یابد زیرا ذات آن فاعل بر حسب ذات، در حجاب صفات، محجوب، و در غیب اسماء و ملکات غایب است و ذات هیچ فاعلی ظهور ندارد مگر از پشت پرده و تأثیراتی که دارد از ناحیه تعینات اسمائی است نه بر حسب ذات او و پشت پرده این سخن، رازی است که توان اظهار آن نیست و سزاوارتر آنکه همچنان در زیر پرده هایش پنهان بماند.» (مصباح الهدایه، ص ۹۱)

در مرحمت تو غوطه ور روز و شبم

ای نام تو روییده به گلدان لبم

در خاک طلب بذر دعا کاشته ام باران اجابت تو را می طلبم

جامعیت نماز نسبت به سایر عبادات: در حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله)، راز این جامعیت این گونه بیان شده

است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ» (بحار الانوار، ج ۷۹،

ص ۲۳۲)، زیرا نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم ستایش و هم تکبیر و هم تقدیس و هم گفتار است و هم خواستن. « به فرموده امام (ره) نماز نسخه کامل «ترکیب قدسی» الهی است و همانند دیگر افعال و احکام الهی بر پایه حکمت و قوانین حضرت حق بنا نهاده شده و به تعبیر ایشان، ترکیبات قدسیه است که بیدای الجلال و الجمال فراهم آمده است و تسویه شده است... (سر الصلاة، ص ۱۷)

طبیعی است که در مقام مقایسه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که اعظم انبیاء و پیامبران الهی است، با سایر فرستادگان (علیهم السلام)، باید انتظار جامعیت آیین، شریعت و جامعیت نماز و سایر شؤون خاتمیت را داشت؛ چرا که همه چیز در تمامیت و کمال، تابع جامع ترین و کامل ترین مخلوق الهی است، به تعبیر امام قدس سره: «... و هر کس از اهل سیر و سلوک الی الله را نمازی مختص به خود او و حظ و نصیبی است از آن، حسب مقام خود؛ چنانچه سایر مناسک از قبیل روزه و حج نیز همین طور است، گرچه به جامعیت نماز نیستند: [الطَّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ.] و دیگران که به آن مقام نرسیده اند از برای آنها حظی از نماز آنها نیست؛» (سر الصلاة، ص ۵)

اما توضیح بیش تر حکایت جامعیت نماز نسبت به سایر عبادات را می توان از ماجرای حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) و بیرون رفتن از جوار پروردگار و هبوط به عالم طبیعت شروع کرد که پروردگار مهربان پس از هبوط آدم و حوا، دریچه ذکر خود را به روی آنها گشود و در واقع مرکبی برای آنها فراهم کرد تا آنان برای بازگشت این فاصله را از عالم طبیعت تا مقصد قرب جوار الهی از نظر روحی و معنوی، بیمایند. به تعبیر امام قدس سره: « از منتهی النزول عالم مُلکی، که بیت مظلمة نفس است، تا غایة القصوای معراج حقیقی روحانی، که وصول به فناء الله است » همان گونه که پیامبر خود را به معراج قربش برد و حقایق ملک و ملکوت را به او شناساند، حضرت آدم (علیه السلام) و همه فرزندان او را که دور افتادگان از عالم قدس اند به واسطه نماز به محضر انس خویش بار داد و به تعبیر امام (رحمة الله علیه)، مرکب سلوک و براق سیر الی الله برایشان فراهم نمود. حضرت امام (رحمة الله علیه) تعبیر براق (اسبی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به معراج رساند) و رفرف را درباره نماز بسیار به کار برده اند؛ « و بُراق سیر و رَفَرَف عروج اهل معرفت و اصحاب قلوب نماز است... » که

نکته مهم آن این است که قدرت و توان این مرکب و میزان بهره‌مندی از آن، به ظرفیت و توان معنوی سالک و راکب آن بستگی دارد، از این جهت است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر چیزی چهره و نشانه ای دارد و صورت و نشانه دین شما نماز است، پس نباید کسی از شما صورت دینش را ترک کند. (الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰).

کسی کو شد زاصل خویش آگاه	دگر گفתי مسافر کیست در راه
زخود صافی شود چون آتش از دود	مسافر آن بود کو بگذرد زود
رود تا گردد او انسان کامل	به عکس سیر اول در منازل
نهد حق بر سرش تاج خلافت	پس آن گاهی که ببرید او مسافت
به علم و زهد و تقوی بوده معروف	به اخلاق حمیده گشته موصوف

فردی شقی به نام «رزام مولی خالد بن عبدالله» درباره حدود نماز از امام صادق (علیه السلام) پرسش می‌کند. ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «نماز چهار هزار حدّ دارد که تو نمی‌توانی یکی از آنها را ادا کنی». حضرت امام (رحمة الله علیه) با بیان این حدیث، آن را دلیلی بر وجود باطن و حدود باطنی نماز می‌داند. و استنباط می‌کند که: اگر این چهار هزار حدّ که جناب صادق (علیه السلام) فرمودند از حدود ظاهر و آداب صوریه بود، نمی‌فرمودند: تو یکی از آنها را (هم) ادا نمی‌کنی و وفا نمی‌نمایی؛ زیرا که معلوم است که همه کس می‌تواند به آداب صوریه نماز قیام کند. (سرالصلوة، ص ۱۱).

کای خدا پیش تو ما قربان شدیم	معنی تکبیر این است ای امام
هم چنین در ذبح نفس کشتنی	وقت ذبح الله اکبر می کنی
سر ببر تا وارهد جان از فنا	گوی الله اکبر و این شوم را
کرده جان تکبیر بر جسم نبیل	تن چو اسماعیل و جان همچون خلیل